

یادداشت اقتصادی

چاره‌ای نداریم

باید از خواب بیدار شویم!

عظیم

ادامه‌از صفحه اول

اگر «سروانتس» سرگیجه انسان عصر رزناسنس و روشنگری را از فروپاشی جهان قدیم تصویر می‌کند، «آدام اسمیت» روح آزادی و عاملیت انسان‌ها در ربط با دگرگونی‌های بزرگ انقلاب صنعتی و چگونگی تولید ثروت را صورت‌بندی می‌کند. «خیال» جنبه واقعیت می‌یابد و امکان فرارفتن انسان از جایگاه سنتی و طبقاتی‌اش به شائی فراهم می‌آید که برای دستیابی به آن تلاش کرده و رنج بسیار برده است.

البته آزادی و رقابت، مطلوب همگان نیست و چه بسیار انسان‌هایی که همان فضای بدون خطر و زحمت و معیشت مختصر را می‌پسندند و در بی ساختاری‌اند که همه چیز را برای او برنامه‌ریزی کند و هیچ ریسکی باقی نگذارد. چنین انسانی دیگر البته از فقر و عقب‌ماندگی خود شرمسار و سرافکنده نیست؛ زیرا «قدرت‌های فرانسائی که تعیین‌کننده تمامی رویداد‌ها هستند، رتبه و شان وی را مقرر کرده‌اند». (فون میزس) این در حالی است که در اقتصاد آزاد، موقعیت اجتماعی و میزان درآمد افراد بسیار به عمل خود آنان مرتبط است.

چند دهه عملگر دولت‌ها و مبنای حکمرانی اقتصادی در کشورمان در مخالفت با مبنای اقتصاد مدرن یعنی آزادی، رقابت، فعالیت انسان‌ها و ضرورت ایجاد فرصت‌های اقتصادی برابر برای همه شهروندان بوده است. مخالفتی که یک اقتصاد را هر روز کوچک‌تر و «سفره‌ای‌تر» و شهروندانی فقیرتر و با اعتمادبه‌نفس کمتر و غیرمسئول بارآورده است. اقتصادی که با حدود ۴۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در ردیف چهاردوم و بر مبنای تولید ناخالص داخلی سرانه در ردیف ۱۲۰ جهان قرار دارد و از منظر «سطح رفاه» (کارآفرینی، آموزش، بهداشت، امنیت و سرمایه اجتماعی و…) در ردیف ۱۲۶ در بین ۱۶۷ کشور جهان ایستاده است.

(لگاتوم– ۲۰۲۳)

ارقام و رتبه‌های سخت اسفناک، با توجه به ظرفیت‌های عظیم این سرزمین، که به‌جای هشداردهندگی به مقامات ارشد و متصدیان حوزه اقتصادی و‌وادرکردن آنان به تفکر و تلاش برای تغییر ریل اقتصاد و سیاست، به قلب واقعیت و حتی تصویر واژگون از اوضاع کشانده است. چنانکه رئیس دولت از کاهش تورم و بی‌کاری و افزایش رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری و رونق تولید و بازگشت هزاران بنگاه تعطیل به مدار تولید و ساخت چند میلیون مسکن و نشاط اجتماعی ۲۵ میلیونی و… (گفت‌وگوی اخیر با صدا و سیما) و وزیر رفاه و تأمین اجتماعی از اینکه «بحمدالله در حوزه اقتصاد یکی از اولین اقتصادهای جهان هستیم» سخن می‌گویند؛ اقتصادی که سرآمدی آن در جهان بر عکس به واسطه حدود پنج دهه تورم دورقمی، حجم عظیم ممنوعیت و محدودیت‌های تجاری (۲۰۰۰ ردیف تعرفه)، حجم قاچاق قاچاق ورودی و خروجی (بیش از ۲۰ میلیارد دلار) و نرخ رشد دو تا سه درصدی علی‌رغم منابع عظیم انرژی و نیز شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی و…است.

همین مورد آخر یعنی تحریم‌های ناعادلانه بین‌المللی و عدم چاره‌اندیشی برای آن و از دست رفتن فرصت‌های مناسب برجامی به «هرچه فقیرتر شدن مردم و تخریب طبقه متوسط (از ۵۵ درصد به ۲۰ درصد) و تثبیت گروه‌های ذی‌نفع» منجر شده است (گزارشی از کتاب «تحریم‌ها چگونه کار می‌کنند؟»- جواد صالحی اصفهانی، علی واعظ، ولی نصر؛ نوید رئیسعی). فرایندی که به هرچه بسته‌تر شدن فضای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی و توان ملی انجامیده که قاعدتا نباید مورد علاقه مقام سیاست‌گذار باشد و در تضاد با کاربژه‌های دولت مدرن برای فراهم‌آوردن امکان تولید ثروت و رفاه و «کرامت افراد جامعه» است که همین اخیرا مورد تاکید رئیس دولت بوده است (جلسه هیئت دولت- ۲/۲۳). اگر نجات بشر و رفاهش را محصول قوه عاقله وی که طبیعت به او بخشیده بدانیم، کار دولت‌ها آن است که فرصت‌های لازم را برای ظهور این استعدادها و کسب جایگاه شایسته افراد در ساختار اجتماعی از طریق امکان ایجاد نهادهای مناسب فراهم آورند. امری که با اقتصاد دستوری و رانتی و دشمنی با جهان (جهانی ندکیشوتی) و با مردمی فاقد کرامت و نیازمند و طبقه متوسط ضعیف‌شده‌ای که «با اعتبار فرهنگی و اجتماعی خود نمی‌تواند به ثروت و قدرت دست یابد» قابل تحقق نیست.

از «نظر آدام اسمیت مزیت اخلاقی جامعه تجاری در آن است که افراد حاضر در رده‌های میانی و پایینی زندگی، کسانی که نه ثروتمند و نه قدرتمندند و نه برخوردار از فضایل عالی- به عبارت دیگر، اکثر مردم – به‌واسطه نهاد‌های اجتماعی وادار می‌شوند علاقه‌مندی خود به ثروت و تشخیص را در قالب شیوه‌های رفتاری برانزده هدایت کنند. برای این قبیل افراد راهی که به فضیلت می‌رسد و راهی که به مال و ثروت، خوشبختخانه در اکثر موارد تقریبا یکی هستند، چراکه موفقیت آنها به توانایی‌های استوار حرفه‌ای، در پیوند با رفتار حزم‌اندیشانه، منصفانه، مستحکم و معتدل بستگی دارد و نیز به نظر خوب و مساعد همسایگان و هم‌تایانشان که چنین رفتاری را از آنها متوقعند» (ذهن و بازار- جری مولری).
باید از این خواب تاریخی بیدار شویم، چاره نداریم!اجرای موسیقی زنده در رستوران‌ها و فضای مشابه نیازمند اخذ مجوز است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اخذ استخدام برخی مراجع دیگر مسئول اعطای این مجوز است. سازوکار اعطای مجوز، شرایط تعلیق، لغو و ابطال آن هم طی مصوبه هیئت وزیران و وزارتخانه مربوطه به شکل مبسوط تشریح شده است. در مناطق آزاد مثل جزیره کیش هم با توجه به ویژه‌گی‌های آن این شرایط با اندک تغییرات و البته به شکل سهل‌گیرانه‌تر اجرا می‌شود.

«آگهی فقدان کارت دانشجویی»

اینجناب مهدی حسینیقلی فرزندمحمدرضاه شماره‌شناسنامه ۰۰۲۳۷۰۸۸۷۵، صادره از تهران در **مقطع کارشناسی در رشته حسابداری صادره از واحد علوم مالی به شماره ۹۸۲۰۱۸۰۲۲** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه خوارزمی به نشانی **خیابان سمیه رویبری برج سپهربانک صادرات نیش خانقانی ارسال نماید**.

مدرک تحصیلی اینجناب روزبه پیری فرزندعلی به‌شماره شناسنامه ۱۳۶۰۰۷۵۵۳۴ صادره از تبریز در **مقطع کاردانی در رشته نرم افزار کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی تبریز به شماره ۲۹۶۱۷۱** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه جامع علمی کاربردی استان آذربایجان شرقی به نشانی **آذربایجان شرقی، تبریز، خیابان طالقانی، جنب‌کلاتری ۲۲ طالقانی** ارسال نماید.

کارت دانشجویی اینجناب ریحانه غلام‌پور فرزندهادی دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فیزوتراپی به شماره۱۴۰۲۱۱۳۴۱۰۱۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد. از یابنده تقاضا میشودکارت دانشجویی را به بخش حراست دانشگاه علوم پزشکی ایران منتقل نماید.

در شرایط انتخاباتی فعلی بیشتر با یک محدودیت سیاسی روبه‌رو هستیم که به سرخوردگی اجتماعی و نخبگانی بدل شده است. به نظر می‌رسد دلیل عمده این مسئله فعال‌نبودن احزاب و جوامع مدنی است که دو سوی مختلف دارد. یک سو بحث سیاست‌گذاری‌های کلانی است که شاید در راستای تقویت احزاب و جوامع مدنی حرکت نکرده و سمت دیگر هم فعالیت‌نکردن جامعه و نخبگان است که به علت فشارها یا نبود ملی لازم از سوی آنها برای فعالیت در این جوامع مدنی بوده است. منظور از فعال‌بودن جوامع مدنی و احزاب این است که آنها باید در تمام طول سال فعال بوده و در کنار آموزش، در همه فواصل بحث کادرسازی، تربیت نیرو و مشارکت اجتماعی را با برگزاری جلسات و نشست‌های منظم، انتشار مجلدات و… دنبال کنند؛ چراکه این اقدامات رسالت احزاب و جوامع مدنی محسوب می‌شود. مشکلی که امروز با آن روبه‌رو هستیم، وجود احزاب فصلی و انتخاباتی است. هر حزب وظیفه احزاب و جوامع مدنی، برقراری ارتباط میان دولت و مردم است. همچنین پیگیری و نظارت بر امور نمایندگان که از سوی آنها معرفی شده و پاسخ‌گویی درباره فعالیت آنها هم از دیگر وظایف آنها محسوب می‌شود. در عمل باید از طریق جوامع مدنی به‌عنوان واسطه، خواسته‌های مردم به مدیارت منتقل شده و سیاست‌های حاکمگی نیز به صورت مدیریت‌شده به جامعه منتقل شود. طبیعتا هنگامی که این ظرفیت وجود نداشته باشد، میان جامعه و حاکمیت اصطکاک به وجود می‌آید و اتفاقاتی مانند سال گذشته رخ می‌دهد. حتی این‌اصطکاک چهره نرم هم دارد که از جمله آن می‌توان به قهر اجتماعی و قهر با صندوق رأی اشاره کرد که آن هم خود یک معضل بسیار بزرگ است. در نتیجه برای افزایش مشارکت مردم و جلوگیری از انسداد سیاسی نیازمند وجود احزاب و جوامع مدنی هستیم.

به عقیده نویسنده کاهش مشارکت سیاسی چهار دلیل عمده دارد: نخستین دلیل سرخوردگی سیاسی میان قشر نخبگانی و مردم است که دلیل عمده این است که مردم معتقدند از انتخابات‌های گذشته نتیجه خاصی نگرفته‌اند و نمایندگان آنها پیگیر مسائل و مشکلات‌شان نیستند. عمده دلیل این مسئله نبود احزاب است. به عبارت دیگر احزاب در کشورهایی که به معنای واقعی دموکراسی را الگو قرار می‌دهند، هم نسبت به نمایندگان پیگیری و نظارت دارند و هم پاسخ‌گویی برای عملگرند نمایندگان‌شان در حین و پس از زمان تصدی مسئولیت را دارند و با ارائه برنامه‌های تخصصی و علمی به نمایندگان خود در حل مشکلات کشور کمک می‌کنند. نکته مهم اینجاست که نه‌تنها خود فرد، بلکه حزب می‌تواند درباره عملکرد نماینده‌اش پاسخ‌گو است و دیگر کاندیدایی نمی‌تواند وعده‌های بی‌پایه و اساس بدهد و بعد از انتخابات همه تمام‌آنها فراموش شود؛ زیرا حزب بر او در تمام زمان مسئولیتش احاطه دارد تا وظایفش را

رجوع به تحزب و جامعه مدنی

تنهاکلید راه‌گشای امروز ایران



سیدمحمدعلی سیدحتای

به‌درستی پیش برد و مشروعیت سیاسی و اجتماعی حزب خود را به چالش نکشد، بنابراین به این واسطه بدنه اجتماعی‌بایک ساختار حزبی مواجه است که در هر زمان می‌تواند درباره رأی و حق خود مطالبه داشته باشد. چالش دوم کاهش اعتماد سیاسی است که آن‌هم به دلیل فضای سیاست‌زده کشور ما است، یعنی ما یک بازی بدون قاعده سیاسی را ایجاد کرده‌ایم که اغلب در آن منافع حزبی را به منافع ملی ترجیح داده‌ایم. متأسفانه کشمکش‌های سیاسی وارد فضای عمومی جامعه شده و اجتماع هم از این سیاست‌زدگی، خسته و دلزده شده است. با وجود اینکه در برهه‌های مختلف اقدامات خوبی را از سوی هر دو جریان سیاسی داشته‌ایم که به نفع منافع ملی بوده، اما متأسفانه حزب مقابل، درصد تخریب آن اقدامات در نظر عمومی و حتی بین‌المللی برآمده است و اختلافات سیاسی داخلی اغلب به اختلافات سیاسی خارجی و آسیب به منافع ملی کشور در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. نکته دیگر که لازم است به آن اشاره شود، این است که ما عدم گردش نخبگان سالم و عدم نخبه‌گرایی را شاهد هستیم که به دلیل نبود احزاب و جوامع مدنی شکل گرفته است. درحالی‌که گردش نخبگانی سالم لازمه حیات سیستم سیاسی و اجتماعی است. از منظر آسیب‌شناسی شرایط حاضر نیز ما با چند مؤلفه مواجهیم: نخست اینکه از ابتدای انقلاب تا به امروز شاهد افراط‌گرایی‌هایی از سوی هر دو جریان سیاسی بوده‌ایم، به عبارتی یک جریان فکری سیاسی عموم مردم را کنار زده و به اقلیت طرفدار خودش رجوع می‌کند و آنها را برای پیشبرد اهداف انتخاباتی‌اش کافی می‌داند. درحالی‌که این برخلاف نظر اسلام و جمهوریت است. جریان دیگر هم در برهه‌هایی امنیتی‌سازی احزاب را دنبال کرده‌اند و باعث شده‌اند تا فضای جوامع مدنی و احزاب سیاسی شود و افراط از هر دو طرف باعث لطمه‌خوردن به احزاب شده است. نکته دوم اینکه ما گاهی حزب سیاسی را با جریان سیاسی به اشتباه یکی می‌دانیم. عموماً در انتخابات‌های گذشته این احزاب نبودند که حضور فعال داشتند بلکه جریان‌ها، ائتلاف‌ها و به‌اصطلاح جبهه‌ها بودند که فعالیت انتخاباتی جدی‌تری داشتند و در هر انتخابات با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی جریان‌ها و جبهه‌های جدیدی پدید می‌آیند که نه پیشینه آنها مشخص است و نه سازوکار حزبی و تخصصی برای حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی –اجتماعی و بین‌المللی

نگاه‌دیگر

۴۹۰ هزار هکتار! حریم شهرها فروخته خواهد شد؟



فرشیدسامانپور

صورت عدم انجام تعهدات بازستانده شوند. ولی زمینی را که در اختیار وزارت راه و شهرسازی باشد، خیلی آسان‌تر می‌توان در قالب «مولدسازی» فروخت. آن هم صرفا برای سکونت! دقت داشته باشید که انواع تسهیلات برای این امر توسط مصوبه مولدسازی و برنامه هفتم به این وزارتخانه داده شده است که از همان ابتدا مورد انتقاد کارشناسان بود.

زمین ملی جایگزین پول نقد؟؛ با وجود تخصیص منابع قابل توجه از صندوق توسعه ملی به نهضت ملی مسکن، وزیر راه و شهرسازی همین یکی، دو روز پیش باز تاکید کرد که مهم‌ترین مشکل «تأمین منابع مالی» است. احتمالا از همین رو باشد که وزارت راه و شهرسازی بیش از ساخت مسکن، بر تأمین زمین تاکید می‌کند و واگذاری زمین را نیز در آمار نهضت ملی قرار می‌دهد، به این امید که ساخت‌وساز یک و دو طبقه توسط خود مردم صورت گیرد. بحث از واگذاری دو میلیون قطعه زمین است (باادری می‌کند که کل نهضت ملی شامل چهار میلیون واحد بوده است) و متأسفانه ظاهرا توجه چندانی به تبعات اقتصادی و طبیعی ناخوشایندی که این گسترش افقی و کم‌تراکم خواهد داشت، نمی‌شود. البته ماجرا فقط این نیست. طبق اختیاراتی که برنامه هفتم به وزارت راه و شهرسازی داده، مولدسازی زمین‌های تحت تملک آن وزارت‌خانه عملا یکی از منابع تأمین مالی نهضت ملی مسکن دانسته شده است. بعید است نویسندگان آن برنامه پیش‌بینی کرده باشند که وزارت راه و شهرسازی یکبارہ مالک ۴۹۰ هزار هکتار از مرغوب‌ترین زمین‌های اطراف شهرها بشود. خود ما هم هنوز باور نمی‌کنیم، شخص وزیر چند روز پیش اعلام کرد: «بزرگ‌ترین پروژه مولدسازی دولت و کشور در وزارت راه و شهرسازی در عملیات آماده‌سازی اراضی طرح نهضت ملی مسکن و اتمام مساکن مهر تیلور یافته است». آیا حریم شهرها هم قرار است مولدسازی و خصوصی شوند؟ زمین‌هایی که این‌چنین به دست مالکان خصوصی خواهد افتاد، مهم‌ترین اراضی لازم برای تولید صنعتی و کشاورزی در حریم شهرهاست که اتفاقا قابلیت مولد آنها از دست خواهد رفت و کشور را هر چه بیشتر مصرفی خواهد کرد. چه‌بسا همان‌طور که برخی از کارشناسان نگران بودند، گسترش شهرها را از دست دولت خارج و به اختیار زمین‌داران معدود در آورد. متأسفانه سیل اخبار غیرمترقبه سیاسی و حاشیه‌ای این روزها فکر مردم را از چنین اخباری غافل و غافل‌تر کرده است. گاهی به اصالت این اخبار حاشیه‌ای شک می‌کنم. تبعات چنین نقل و انتقالی شاید هزاران برابر بیشتر از مسائلی است که امروز سرخط خبرها شده‌اند. اما در سایه این حواشایی و سروصود خيال خیلی‌ها هم راحت است. از هیچ مسئول نظارتی نشنیدم که از وزارت راه و شهرسازی درباره صحت و تقسم این ادعا توضیحی بخواهد. مسئولان وزارتخانه هم در سایه این بی‌توجهی چندان نیازی به توضیح نمی‌بینند. طبیعت‌هم که زبان ناطق ندارد! در این میانه آرزو می‌کنم، کل خیر اشتباه و حاصل خطای مدیر یا کارشناس یا یک متصدی در آن وزارتخانه باشد.

کشور دارند؛ و به‌همین دلیل نه می‌توانند برنامه‌های اجرائی مناسبی ارائه دهند و نه بعد از انتخابات پاسخ‌گویی در قبال حامیان و پیروانی دارند که به فهرست آنها رأی داده‌اند.

نکته سوم اینکه در تاریخ ایران ما احزاب پیشروی مانند حزب اعتدالیون و عامیون در جنبش مشروطه داشتیم که بسیار هم مترقی بوده‌اند یا در ابتدای انقلاب حزب جمهوری اسلامی یا حتی حزب توده را داشتیم که بسیار فعال، ساختارمند و از منظر حزبی حرفه‌ای بودند از این‌رو مباحثی که گاهی مطرح می‌شود و مبنی بر آن است که احزاب برای دیگر کشورها هستند و در سیستم سیاسی-اجتماعی کشور ما تعریف نشده‌اند، کاملا اشتباه است و آدرس غلطی است که برخی جریان‌ها برای ادامه روند‌های مخرب فعلی خود می‌دهند. نکته چهارم اینکه ما درحال حاضر حدود ۷۰ حزب سیاسی نشسته‌د در کشور داریم، اما تقریبا عموم آنها فصلی و موقعی بوده و تنها چند ماه مانده به انتخابات فعال و بعد از آن هم فعالیت‌شان معلق می‌شود یعنی عملا این احزاب کارکرد واقعی نداشته و به بنگاه انتخاباتی بعضی چهره‌های سیاسی تبدیل شده‌اند. در پایان ذکر این امر ضروری است که عیار دموکراسی و جمهوریت و اسلامی‌بودن نظام سیاسی کشور ما، با بحث مشارکت سیاسی مردم عجین شده است. باید تحزب به معنای واقعی کلمه در کشور اجرا شود تا در ساختار حزبی پیگیری و نظارت و پاسخ‌گویی و همچنین قبل از انتخابات بحث کادرسازی و آموزش و انجام پژوهش‌های علمی بر روی مسائل کلان کشور را از سوی احزاب داشته باشیم و اگر به دنبال مشارکت سیاسی هستیم، باید این مسیر را دنبال کنیم. نخبگان علمی وظیفه‌شان این است که موتور محرک جوامع و احزاب باشند، برای میسرشدن این امر لازم است خودراک فکری آنها را فراهم کرده و از لحاظ اجرایی نیز با فعالیت‌های‌شان به آنها قوت ببخشند. به نظر می‌رسد به صورت کلی امروز با یک قهر نخبگانی مواجه هستیم چراکه فعالان علمی ما دیگر اهمیتی به این مباحث نمی‌دهند درحالی‌که وظیفه نخبه اجتماعی تمرکز بر روی این مباحث است تا راه‌حل‌های علمی و عملی را برای بررون‌رفت از وضعیت فعلی کشور ارائه دهد. قهر با صندوق‌های رأی و انتخابات هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت چراکه این کار تنها محروم‌کردن خود مردم از حق بدیهی و مسلم آنها در نظام جمهوری اسلامی است که سنگ بنای آن از طرف خود مردم و برای مردم گذاشته شده است، هرچند که برخی روند‌های خلاف و نادرست به دنبال کارکنم‌کردن و حذف نقش مردم در نظام سیاسی کشور هستند ولی باید کاری انجام شود که با توجه به اهمیت جوامع مدنی، گردش نخبگانی صحیح در کشور ایجاد شود و نهایتا اگر جامعه مدنی فعال باشد و خواسته‌هایش را پیگیری کند، هیچ‌گاه با برخی افراط‌گرایی‌هایی که در حوزه سیاسی شاهد آنها هستیم، روبه‌رو نخواهیم شد.

سرمقاله

ملاحظاتى درباره

«دکترين هسته‌ای»

عظیم

ادامه‌از صفحه اول

روشن است که در بسیاری موارد این دو گزین‌ه با هم تحقق پذیر نیستند. دست‌کم در پنجره زمانی اشاره‌شده در بند ۴، احتمال بسته‌شدن مسیر توسعه اقتصاد از طریق حمله گسترده به اهداف اقتصادی و نظامی و در پی آن اعمال تهاجمی تحریم‌ها وجود دارد. ۴- روند ساخت بمب نیز مهم است.

این روند می‌تواند یک پنجره زمانی بین تصمیم‌گیری برای ساخت بمب و ساخت آن در عمل کشاید و هر کشوری را در معرض بیشترین تهدیدات قرار دهد. در عمل سه کشور آخری که بمب ساختند، هیچ‌گاه عضو پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای نبودند و کره شمالی نیز عملا با خروج از ان‌بی‌تی و اخراج بازرسان آنانس، جهان را از تصمیم خود برای ساخت بمب آگاه کرده بود. ضعف در حفاظت اطلاعات عامل مهم دیگری است که می‌تواند موجب آگاهی دیگران از تصمیم سیاسی برای ساخت بمب باشد. تاکنون کشورهای متمایل به ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، معمولا از توانایی بالایی برای مخفی‌کاری و حفاظت اطلاعات برخوردار بوده‌اند.

۵- واکنش کشورهای هر منطقه به هسته‌ای‌شدن یک کشور منطقه بسیار مهم است و بسته به حساسیت امور در هر منطقه می‌تواند موجب دگرگونی عمیق در پیش‌فرض‌های امنیتی شود. مسائلی تسلیحاتی برای هسته‌ای‌شدن در منطقه و تحول در نوع تعاملات کشورهای منطقه با قدرت‌های جهانی از جمله این دگرگونی‌هاست. علاوه بر آمریکا، واکنش روسیه و چین نیز مهم است. جین به دلایل امنیتی-اقتصادی و به‌ویژه نخبه‌نماین نفثت و گاز می‌تواند بسیار حساس باشد و سیاست روسیه نیز تاکنون مخالفت قطعی با هسته‌ای‌شدن کشورها هم‌چواز بوده است.

۶- از آنجا که بمب اتمی برای به‌کارگیری ساخته نمی‌شود، بازارزدگی دارای اهمیت محجوری در «دکترین هسته‌ای» است و باید مطابق اصول و به‌قاعده باشد. قطعاً چند بمب برای این منظور کافی نیست چراکه توان هسته‌ای باید در حدی معتبر و قابل دوام باشد که با حمله اول دشمن تماما نابود نشود و بمب کافی برای واردکردن ضربه دوم در اختیار بماند.
باید دلایل پلنفرم‌ها و شیوه‌های متنوع پرتاب (هوایاییه، موشک بالستیک و به‌ویژه زیردریایی) برای بازارزدگی اجتناب‌ناپذیر است چراکه هدف دشمن در وهله اول نابودی تسلیحات اتمی در مبدأ یا در مسیر است بنابراین حفظ توانایی ضربه دوم تنها با تکیه بر تعداد زیاد بمب‌ها و تنوع در ابزار پرتاب ممکن است. برخورداری از سلاح‌ها و تجهیزات برای رهگیری پرتابه‌ها و خنثی‌سازی آنها و نیز داشتن توان اصولی، علمی، حرفه‌ای و بدنه کارشناسی حرفه‌ای برای نگهداری درست تسلیحات هسته‌ای حیاتی است چراکه در غیراین‌صورت حوادث، خراب‌کاری و زدئی می‌توانند برای سرزمین خودی فاجعه‌بار باشد. از آنجا که بازارزدگی در خلا انجام نمی‌شود، روان‌شناسی و انواع تپ‌های شخصیتی تصمیم‌گیران، اشتباه محاسبه، سوءبرداشت و… بسیار مهم هستند. برای اجتناب از این موارد آمریکا و شوروی در دوره جنگ سرد اقدام به تدوین پروتکل‌هایی برای تماس مستمر با یکدیگر و از جمله برقراری تلفن سرخ بین کرملین و کاخ سفید کردند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR